

تحلیل جامعه‌شناختی اولویت‌های تربیت شهروند مطلوب در اسناد رسمی و واقعیت اجتماعی مدرسه*

ناصر کمالپور خوب^۱

سیدضیاء هاشمی^{۲*}

سیدمحمودنجاتی حسینی^۳

چکیده

هدف: این پژوهش با هدف شناسایی و اولویت‌بندی مؤلفه‌های شهروندی مطلوب از نظر نظام رسمی جمهوری اسلامی و میان دانش‌آموزان انجام گرفت.

روش: روش مطالعه این پژوهش کمی-کیفی بود که برمبنای آن نخست با مرور اسناد رسمی (قانون اساسی و سند تحول بنیادین آموزش و پرورش) با منطق روش تحلیل محتوای کیفی، مؤلفه‌های تربیت شهروندی مطلوب مدنظر نظام جمهوری اسلامی ایران به صورت نظری، فیش‌برداری شد. سپس فرایند کدگذاری کیفی روی آنها انجام گرفت. در ادامه برای شناسایی جایگاه مؤلفه‌های شهروندی و نمود آنها در بین دانش‌آموزان (واحد تحلیل)، از میان معلمان متوسطه پسرانه شهر تهران به عنوان واحد مشاهده به روش پیمایش و با استفاده از نمونه-گیری خوشه‌ای چندمرحله‌ای، نمونه‌ی ۲۱۰ نفری انتخاب شد. داده‌ها با استفاده از پرسشنامه خودساخته جمع‌آوری گردید که مقدار الفای آن ۰/۸۲. در سطح قابل قبولی بدست آمد. تجزیه و تحلیل داده‌ها با استفاده از نرم افزار SPSS و با استفاده از تحلیل عامل اکتشافی و در سطح معناداری ۰/۰۵ انجام شد.

یافته‌ها: در این پژوهش با واکاوی مفهومی اسناد مورد مطالعه، مشخص شد که تمامی مؤلفه‌های تربیت شهروندی در جمهوری اسلامی ایران با محوریت دین و رسیدن به قرب الهی مفهوم‌سازی شد. براین اساس شهروند در حوزه دینی با شاخص‌های اعتقادی، عبادی، شناختی و در حوزه اجتماعی با شاخص‌های منفعت اجتماعی، مشارکت و نقش‌آفرینی مجزای اجتماعی مطلوب به‌شمار می‌آید. با بررسی محوره‌های شهروندی در بین دانش‌آموزان مؤلفه‌ی اعتماد و مسئولیت‌پذیری با (مقدار ویژه ۰/۱۲/۶ و تعهد دینی و سازمانی با مقدار ویژه ۰/۷۳/۲ بیشترین نمود را در بین دانش‌آموزان داشتند.

نتیجه‌گیری: با بررسی نسبت داده‌های دو بخش کمی و کیفی می‌توان نتیجه گرفت لزوم توجه به اولویت‌های تربیت دانش‌آموزان به‌عنوان شهروندان آینده می‌تواند به هم‌گرایی دورنی نظام رسمی و واقعیت جامعه کمک کند.

کلید واژه‌ها: شهروند مطلوب، سند تحول بنیادین آموزش و پرورش، دانش‌آموز، معلم، روش سه بعدی تک مرحله‌ای

پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی
پرتال جامع علوم انسانی

۱- گروه جامعه‌شناسی، دانشگاه آزاد تهران مرکزی، تهران ایران.

۲- گروه جامعه‌شناسی، دانشکده علوم اجتماعی دانشگاه تهران، تهران، ایران (نویسنده مسئول). zhashemi@ut.ac.ir

۳- گروه علوم ارتباطات اجتماعی، دانشگاه آزاد تهران مرکزی، تهران، ایران.

* این مقاله برگرفته از پایان‌نامه دکتری است.

مقدمه

شهروندی از مقوله‌های مورد توجه هر دو حوزه رسمی و مدنی است. هرچند، عمدتاً حدود اختیارات و تکالیف آن را نظام‌های رسمی تعیین می‌کنند و میزان همگرایی فرد با الگوها و ایدئولوژی حاکم، معیار مطلوبیت شهروندی به شمار می‌آید. به عبارتی فرد زمانی به‌عنوان شهروندی مطلوب به حساب می‌آید که بتواند از حداقل‌های نقش‌آفرینی و نقش‌پذیری متناسب با جامعه برخوردار باشد و به درجه‌ای از خودبستگی رسیده باشد. اما خودبستگی خود نیازمند درک هستی‌شناختی از انتظارات دیگری که همانا حاکمیت است و اینکه چه حقوق و نیازمندی‌هایی از دیگری مطالبه‌گر است (کمالپورخوب و همکاران، ۱۳۹۹). دیگری در این مطالعه، جایگاه سازندگی و تعیین‌کنندگی نظام رسمی است، که با تدوین اسناد بنیادی تربیتی، به تداوم قدرت خود از طریق تربیت نسل‌های نوجوان و جوان و انتقال الگوهای مسلط خود به آنان، کمک می‌کند. هدف اصلی این پژوهش، تحلیل رویکرد نظام رسمی تربیت در جمهوری اسلامی ایران به مقوله تربیت شهروند مطلوب طی فرایند آموزش از طریق واکاوی معنایی اسناد مرتبط با این حوزه، و شناسایی نمودهایی که معرف شاخص‌های شهروندی در بین دانش‌آموزان است. دست‌یابی به این هدف نیازمند مطالعه‌ی منسجم و دوسویه‌ای است، که بتوان از طریق آن نسبت مؤلفه‌های تربیتی را در حوزه اسناد تربیت رسمی (اسناد بالادستی تربیت چون قانون اساسی و سند تحول بنیادین آموزش و پرورش) و حوزه واقعی (دانش‌آموزان) با محوریت مقوله‌ی تربیت شهروندی مشخص و تحلیل کرد. متناسب با این هدف دو پرسش مطرح می‌شود:

- شهروند مطلوب نظام رسمی جمهوری اسلامی ایران چه شاخصه‌هایی دارد؟

- کدام محورهای مقوله شهروندی در بین دانش‌آموزان نمود بیشتری دارد و در عمل به آنها توجه می‌شود؟

به طور کلی مبنای تربیت شهروندی، یادگیری است (سانتراک^۱، ۲۰۰۸) و به فرایندی اشاره دارد که در دو ساحت آموزش شهروندی، با اهداف یادگیری فعالانه و داوطلبانه از یک سو و آموزش برای شهروندی که تنها آموزش و فضاهای مدنی، خصوصیات و اصول شهروندی شهروندان را شکل داده و به ساختارها و نهادهای رسمی مربوط می‌شود (شارع پور، ۱۳۹۰: ۲۹۸). شناسایی این نسبت می‌تواند تکالیف و وظایف هر فرد شهروند و کنشگری را سامان می‌دهد که خود را به عنوان شهروند و عضو فعال، تأثیرگذار و کنشگری خلاق، آگاه، بادانش، عملگرا، مسئول و دارای حق در نظرگیرد. توماس.اس.دی^۲ تعاون، همکاری و دانایی محوری؛ می‌هوپی لئو^۳ آراستگی شخصی، دانش محوری محلی، ملی و جهانی، سخت‌کوشی، تبعیت از قانون، نوع‌دوستی و مشارکت را از مولفه‌های شهروندی عنوان کردند؛ فالکس^۴ ویژگی‌هایی چون مسئولیت‌پذیری، کل‌نگری، احترام به اصول اخلاقی و سامنر شاخص‌هایی مانند تفکر انتقادی، توجه به نفع عمومی، مشارکت در زمینه‌های سیاسی، اجتماعی، اقتصادی و فرهنگی، درک نیازها، نگرش‌های دیگران و رفتار متعهدانه را به عنوان مولفه‌های اساسی شهروندی مطرح کردند (سبحانی نژاد و منافی، ۱۳۹۰: ۲۹۱). پرایور^۵ معتقد است مفهوم شهروندی تا حد قابل توجهی وابسته به شرایط کشورهای خاص و ویژه است. جامعه مدنی در یک کشور به معنای استقلال اقتصادی و برای کشور دیگر به معنای استقلال سیاسی-اجتماعی یا دارا بودن حق آزادی بیان است (پرایور، ۱۹۹۹، به نقل از سبحانی نژاد و منافی، ۱۳۹۰: ۲۹۰). امیل دورکیم^۶ تربیت شهروندی را انتقال دانش، مهارت و ارزش‌های منتشر شده از نسل‌های بزرگسال به نسل‌های ناپخته جهت زندگی اجتماعی تلقی می‌کند. او بر این باور است که مجموعه خصلت‌های آموزشی مورد نیاز برای تربیت شهروندان در جوامع مختلف در دوره‌های مختلف از نظر اهداف، روش و محتوا متفاوت است، و با توجه به ساختار اقتصادی، سیاسی و فرهنگی هر جامعه صورت خاص خود را دارد (دورکیم^۶ به نقل از شارع پور، ۱۳۹۰: ۲۹۵).

پژوهش‌های میدانی نیز حاکی از آن است که ابعاد آموزش و تربیت از اولویت‌های مهم جامعه امروزی و نظام‌های رسمی می‌باشد. دالتون^۷ (۲۰۰۶) در پژوهشی با عنوان هنجارهای شهروندی و مشارکت سیاسی، علایق شهروندی فراگیر مانند میزان رأی

1. santrock

2. Tomas.D.s

3. Me. hoee.leo

4. Fuleks

5. priuor

6. Emil Durkehim

7. Dalton

دادن، هویت ملی، اعتماد به حکومت و غیره را بررسی می‌کند. در این پژوهش اهمیت مشارکت به مثابه بعد اصلی شهروندی فعال عنوان اندازه گیری شده است. به دنبال مفهوم مشارکت، استقلال فردی، نقش شهروند در آگاه بودن پیرامون چگونگی حکومت برای ایفای نقش مشارکتی، همبستگی فرد و جامعه و جنبه‌های شورایی و انتقادی شهروندی مورد توجه قرار گرفته است. هاسکینز و ماشرینی^۱ (۲۰۰۹) در «سنجش شهروندی فعال در اروپا» یکی از مهم‌ترین پژوهش‌ها را در این حوزه انجام دادند. نتایج این دو محقق نشان می‌دهد که سهم ابعاد در تبیین واریانس شاخص ترکیبی شهروندی فعال به ترتیب مربوط به حوزه جامعه مدنی (۲۹، ۵ /)، حوزه زندگی محلی (۲۶، ۹ /)، حوزه زندگی سیاسی (۲۵، ۹ /) و حوزه ارزش‌ها (۱۷، ۷ /) است. تن^۲ (۲۰۰۷) در پژوهشی با عنوان «اسلام و آموزش شهروندی در سنگاپور چالش‌ها و کاربردها» به بررسی و تحلیل مفهوم آموزش شهروندی در سنگاپور پرداخت. در نهایت عنوان کرد که در هنگام بررسی مفهومی و عملیاتی شهروند نیازمند توجه به در نظر گرفتن مقوله مذهب و جایگاه و نقش آن در تربیت شهروند می‌باشد.

پژوهش‌گران داخلی نیز هرکدام بر محوری از جایگاه شهروندی، شیوه‌های تربیتی، انتظارات حوزه عمومی از نظام رسمی در مقوله شهروندی و تکالیف شهروندان، پرداختند. غیاثوند (۱۳۹۳) در پژوهشی با عنوان آموزش شهروندی در مدارس شهر تهران آثارها و پیامدها، نسبت به میزان اثربخشی طرح شهردار مدرسه جهت آموزش و تربیت شهروندی به این نتیجه رسیدند، که به ترتیب اولویت تقویت احساس مسئولیت پذیری، افزایش احساس علاقه و تعلق نسبت به محیط، شخصیت بخشی و توانمند سازی فردی افراد، افزایش مشارکت جمعی در بین دانش‌آموزان، بیشترین میزان تاثیرگذاری را در زمینه یادگیری و آگاهی شهروندی داشتند. محمدی، حسین و همکاران (۱۳۹۶) در پژوهشی با عنوان تحلیل مفهومی مراحل و ابعاد تربیت شهروندی به مبانی و اصول تربیت شهروندی از نظر اسلام پرداختند. آنها در این پژوهش چند نکته در بعد هستی‌شناختی شهروندی از نظر اسلام عنوان می‌کنند: کمال ایمان در توحید، یگانه دانستن او و تکامل توحید در اخلاص به ساحت مقدس ربوبی، محور تربیت شهروندی است. باقری (۱۳۹۳) در پژوهش خود نشان داد که میان سه بعد حقوق قانونی و مدنی، حقوق سیاسی و حقوق اجتماعی شهروندان با تعهدات و اخلاق شهروندی در قبال دولت رابطه مثبت و مستقیمی وجود دارد. به عبارت دیگر هر چقدر میزان حقوق شهروندان افزایش یابد، تعهدات و اخلاق شهروندی در قبال دولت بیشتر نمایان می‌شود و تأثیر افزایشی و مثبتی خواهد گذاشت. کیشانی فراهانی (۱۳۹۲)، در پژوهشی با عنوان مؤلفه‌های اساسی تربیت شهروندی اسلامی به این نتیجه رسیدند که این نوع تربیت دربرگیرنده مولفه‌های ارزشمند بودن، هدفمند بودن، مردم‌سالاری دینی، نوع دوستی، شایسته‌سالاری و استقلال بررسی کردند. در این تحقیق مردم سالاری با (۷۶ درصد) و نوع دوستی با (۶۸ درصد) بیشترین درصد رابه خود اختصاص دادند.

روش پژوهش

این پژوهش، مطالعه‌ای توصیفی-تحلیلی بود که به روش کمی-کیفی انجام گرفت. در بخش کیفی، محتوای اسناد بالادستی تربیت با کمک روش تحلیل محتوای کیفی مورد واکاوی درونی قرار گرفت. مؤلفه‌های مسئله مورد مطالعه در قالب رمزها، زیرمقوله‌ها، مقوله‌ها، مضمون و تم کدگذاری شد. در این بخش نمونه‌گیری به صورت نظری از دو سند قانون اساسی و سند تحول بنیادین آموزش و پرورش و مبانی نظری آن انتخاب گردید. در بخش کمی روش پیمایشی انتخاب شد. بر مبنای آن پژوهشگر با مراجعه میدان پژوهش داده‌های مورد نظر را گردآوری کرد. جامعه آماری در این پژوهش دانش‌آموزان متوسطه شهر تهران بودند. اما با توجه به هدف اصلی پژوهش که شناسایی نسبت مؤلفه‌های شهروندی مطلوب در اسناد رسمی و میدان واقعی (بین دانش‌آموزان) بود، و دانش‌آموزان از محورهای شهروندی و محتوای اسناد رسمی اطلاعات کافی نداشتند، لذا معلمان به‌عنوان نیروی اصلی انتقال دهنده الگوهای نظام رسمی، به‌عنوان کنشگری رابط بین نظام رسمی و جامعه‌ی دانش‌آموزی به‌عنوان واحد مشاهده انتخاب گردید. که می‌تواند بازگوکننده‌ی نسبت اسناد رسمی مرتبط حوزه تربیت با میدان واقع و چگونگی فرایند شکل‌گیری و تربیت دانش‌آموزان به مثابه شهروندان آینده باشند. واحد تحلیل در این پژوهش دانش‌آموزان پسر شهر

تهران در نظر گرفته شد. نمونه‌ها به شیوه‌ی نمونه‌گیری خوشه‌ای چند مرحله‌ای انتخاب شد. بدین صورت که ابتدا شهر تهران به پنج بلوک شمال، جنوب، شرق، غرب و مرکز تقسیم شد. از هر بلوک دو منطقه انتخاب گردید. سپس از هر منطقه دو ناحیه انتخاب شد و از هر ناحیه سه مدرسه انتخاب گردید. در نهایت از هر مدرسه ۷ معلم انتخاب شد که نمونه ۲۱۰ نفری تعیین گردید. برای گردآوری داده‌ها از پرسشنامه‌ی خودساخته استفاده شد. بدین صورت که نخست اعتبار پرسشنامه توسط متخصصین^۱ این حوزه تایید شد، سپس پایایی آن از طریق آلفای کرونباخ برابر با ۰/۸۲، بدست آمد، که در سطح قابل قبولی است. داده‌های گردآوری شده با کمک نرم افزار SPSS و با استفاده تحلیل عامل اکتشافی آنالیز شد. در نهایت برای دست‌یابی به هدف اصلی مسئله، نتایج دو بخش به کمک روش سه‌بعدی تک مرحله‌ای همزمان تلفیق و تحلیل شد. منطبق این روش بدین صورت است که داده‌های دو بخش کمی و کیفی به صورت مجزا آنالیز شده، سپس نتایج آنها با هم مقایسه و تحلیل می‌شود (کراسول^۲، ۱۹۹۹).

یافته‌ها پژوهش

متناسب با هدف اصلی پژوهش که شناسایی مؤلفه‌های تربیت شهروندی از محتوای اسناد تربیت رسمی و میزان نمود آن در میان دانش‌آموزان می‌باشد، و بر مبنای روش سه بعدی تک مرحله‌ای همزمان انتخاب شده برای این پژوهش، نخست یافته‌های بخش اسنادی مورد تحلیل قرار گرفت. سپس یافته‌های بخش کمی ارائه شد؛ در مرحله تحلیل، با مقایسه‌ی داده‌های دو بخش به نتیجه‌گیری و ارزیابی هدف اصلی پرداخته شد. بر مبنای تحلیل متون اسناد مورد بررسی (قانون اساسی و سند تحول بنیادین آموزش و پرورش و مبانی نظری آن) شاخصه‌های اصلی شهروند مطلوب مورد نظر جمهوری اسلامی ایران در دو مقوله‌ی شهروند دینی و اجتماعی مفهوم‌سازی شد. این دو مقوله به همراه مؤلفه‌ها، زیرمقوله و رمزهای مربوطه در جدول زیر کدگذاری شد.

جدول ۱. کدگذاری و مقوله‌سازی شاخصه‌های شهروند مطلوب جمهوری اسلامی به روش تحلیل محتوای کیفی

مضمون	قانون اساسی و سند تحول بنیادین آموزش و پرورش		شهروند دینی		شهروند اجتماعی	
مقوله	اعتقادی	عبادی	شناختی	منفعت اجتماعی	مشارکت اجتماعی-سیاسی	نقش‌آفرینی اجتماعی
زیرمقوله	انسان	شرکت در	ارزشی، اخلاقی، علمی، فرهنگی	پرورش حقوق	مشارکت	پذیرش پسر
	توحیدگرا،	مراسم دعا،	متقابل انسانی،	سوادآموزی	بودن و دختر	فردمحوری
	باورمند به	پایبندی به	همبستگی	حفظ حقوق	بودن با حفظ	نسبتاً متأثر از
	میانی	مناسبات	همه‌جانبه، پذیرش	شهروندی،	ویژگی‌های	شرایط
	انقلابی،	مذهبی، راز	روحانیت به‌عنوان	پرورش	خاص، ایجاد	بیرونی، برنامه
	پذیرش	و نیاز و	نیروی	همه‌جانبه،	استحکام	کاهش فاصله
	حاکمیت	متکی به	فرهنگی، وجدان	پذیرش	رابطه با	طبقات.
	سیاست دینی	خدا	کاری، کسب علوم	متقابل	جهان اسلام	گسترش
			پیشرفته، استحکام	حکومت و		سوادآموزی
			درونی فرهنگ	مردم		به‌وسیله دولت
			نماز و سواد قرآنی،			
			شناخت شیخون			
			فرهنگی			
رمز	استحکام	عملگرایی	خودآگاهی،	دگرخواهی،	آزش خواهی،	هویت
						اراده‌گرایی
						ساختارگرایی

۱ اعتبار پرسشنامه توسط استاد راهنما و مشاور تأیید شد.

روحیه	دینی،	موقعیت شناسی	متوقع	پویایی	جنسیتی،
انقلابی گری،	پذیرش		وظیفه شناس		جهت گیری
همگرایی دین	نیروی				فراملی خاص
و سیاست	لایتناهی				
	خداوند				

(کمالپورخوب و همکاران، ۱۳۹۹)

بر مبنای فرایند کدگذاری تحلیل محتوای کیفی اسناد مورد بررسی، محیط اجتماعی-آموزشی مدرسه به عنوان مهمترین میدان عمل نظام رسمی برای تربیت شهروند مطلوب خود، به عنوان مضمون (تم) اصلی از مقوله های تربیت دینی و اجتماعی استخراج شد (جدول ۱). نتایج بدست آمده از تحلیل اسناد در جدول بالا در این زمینه حاکی از آن است که طراحی، برنامه ریزی و مبنای خواسته شده در هر دو سند، که برای نهادهای جامعه هدف لازم الاجراست، نوعی از تربیت را ارائه می دهند که شهروند مطلوب را برای سوژه و ابژه دینی مهیا کند (کمالپورخوب و همکاران، ۱۳۹۹). محورهای این نوع تربیت در ساحت های مختلف تربیت بر محوریت سه اصل، پذیرش دین و حکومت دینی، اعتقاد به مبانی اسلام و پذیرش انقلاب اسلامی در ایران و لوازمات استوار است.

همانگونه که قبلا گفته شد، شهروند مطلوب جمهوری اسلامی در دو مقوله دینی و اجتماعی مفهوم سازی شد. مقوله دینی با مؤلفه های اعتقادی، عبادی و شناختی، دربرگیرنده زیرمقوله هایی از مؤمن بودن و یکتاپرستی گرفته تا التزام عملی و باورمندی، مانند شرکت در مراسم دعا، انجام فرائض دینی و عبادی می باشد. در بعد شناختی، مؤلفه های ارزشی، اخلاقی، علمی و فرهنگی-هنری تقریبا اکثر گستره های هسته ها، بایدها و نبایدهای تربیت را در برمی گیرد. بایدها، نبایدها و هنجارها با زیرمقوله های، تقویت فضایل اخلاقی، باور به ارزش های اسلامی-انقلابی، هویت دینی و پذیرش ارزش هایی چون جهاد، عفاف و حجاب، تقویت فرهنگ نماز با نیت و عمل و توسعه این فرهنگ، اصل قرار می گیرد. در مؤلفه های علمی و هسته ها، برخوردار از انواع مهارت ها و شایستگی های کارآفرینی، خلاقیت، تغییر و تأثیرگذاری نقش تعیین کننده دارند (جدول ۱).

در مقوله شهروند اجتماعی، مؤلفه های منفعت اجتماعی، مشارکت اجتماعی-سیاسی، نقش پذیری مجزای اجتماعی و نقطه آغاز تحول (فرد محوری یا جمع محوری) به عنوان مقوله های اصلی و مرتبط با مقوله تربیت شهروندی در اسناد مورد بررسی مفهوم سازی شد. نتایج نشان می دهد که در تمامی مقوله ها هدف گذاری و غایت تربیت شهروندی با همدیگر سنخیت دارند. تنها در مقوله «نقطه عزیمت تحول» تعارض فرایندی استنباط می شود. در بخش هایی فرد اصل قرار می گیرد. در بخش هایی از همان سیاست گذاری نهاد و ساختار مبنا قرار می گیرد (جدول ۱).

داده های بخش کمی به کمک تحلیل عامل اکتشافی برای شناسایی مؤلفه های شهروندی و اولویت بندی این مؤلفه ها در بین دانش آموزان آنالیز شد. بر مبنای نتایج تجزیه و تحلیل، ۲۷ گویه مورد آزمون قرار گرفت. در نهایت ۲۵ گویه در مدل باقی ماند. بر اساس نتایج آزمون کیزر-میر-اولکین (kmo) با مقدار (۰.۸۰۳) مشخص شد، که می توان داده های موجود را به عامل های پنهانی تقلیل داد. و نتایج آزمون کرویت بارتلت نیز در سطح خطای کوچکتر از ۰.۱٪ برابر با ۱۵۸۶/۶۵ معنادار است (pp ۰.۱٪) معنا دار است. این نشان می دهد که می توانیم همانی بودن ماتریس همبستگی متغیرها را رد کرده (حبیب پور و شالی، ۱۳۹۴: ۲۵۸) و بر اساس همبستگی بین متغیرها و معنای انضمامی آنها بتوانیم ساختار جدیدی بسازیم. به عبارتی می توان از روش تحلیل عاملی برای بررسی و تقلیل عوامل تربیت شهروندی مطلوب استفاده کرد.

جدول ۲. نتایج آزمون kmo و ضریب بارتلت

۸۰۳	آزمون کیزر-میر-اولکین
۱۵۸۶/۶۵	ضریب کرویت بارتلت
۳۰۰	درجه آزادی
۰۰۰	درجه معناداری (sig)

همچنین برای شناسایی عامل های زیربنایی، بر اساس معیار نظری پژوهشگر، گویه هایی که مقدار بار عاملی آنها بالاتر از ۰.۴۰ بودند، در تحلیل باقی ماند. گویه های باقی مانده در شش عامل بار شدند. این شش عامل متغیرهای مکنون را شکل دادند. پژوهشگر با توجه به وجه اشتراک این متغیرها و با توجه به واریانس مشترک آنها، متغیرهای مکنون را نامگذاری مجدد کرده

است. این شش عامل در کل توانستند با فراوانی تجمعی ۵۵/۵۴ درصد از واریانس گویه‌های مربوط به شهروند مطلوب را تبیین کنند. بر اساس نتایج سهم و مقدار ویژه عامل‌ها بیشترین عامل با سهم ۲۴/۰۴۹ درصد و مقدار ویژه ۶/۰۱۲ عامل اول و عامل ششم با سهم ۴/۹۰۴ و مقدار ویژه ۱/۲۲۶ درصد کمترین سهم را در تبیین واریانس متغیرها داشتند. برای چرخش عاملی از روش واریماکس استفاده شده است.

جدول ۳. نتایج تحلیل عامل‌ها با سهم و مقدار ویژه

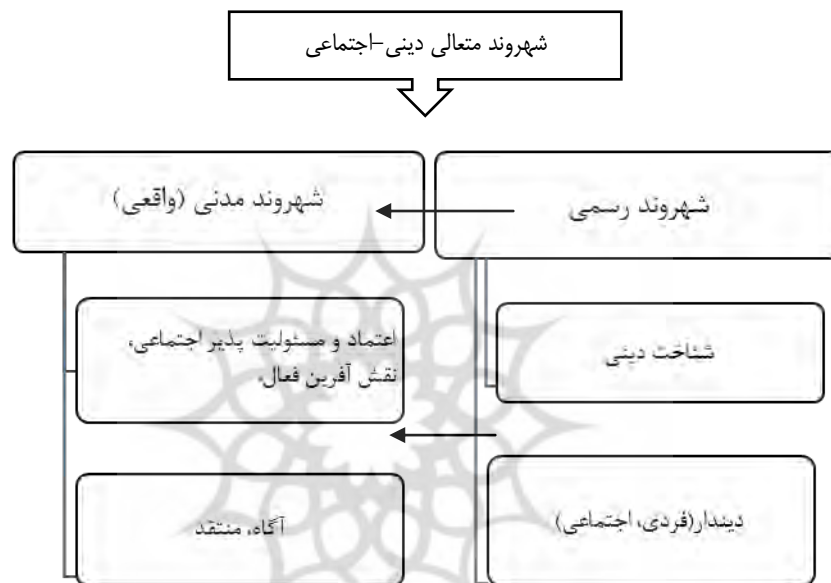
عامل	مقدار ویژه	واریانس	فراوانی تجمعی
۱	۶/۰۱۲	۲۴/۰۴۹	۲۴/۰۴۹
۲	۲/۰۷۳	۸/۲۹۳	۳۲/۳۴۲
۳	۱/۶۵۷	۶/۶۲۸	۳۸/۹۷۰
۴	۱/۵۰۰	۶/۰۰۰	۴۴/۹۷۰
۵	۱/۴۱۸	۵/۶۷۱	۵۰/۶۴۱
۶	۱/۲۲۶	۴/۹۰۴	۵۵/۵۴۵

با توجه به نتایج تحلیل آماری در نهایت عوامل اصلی معرف شهروندی در بین دانش‌آموزان، شش عامل اعتماد و مسئولیت-پذیری، تعهد دینی و سازمانی، هنجارپذیری اجتماعی، نقش‌آفرینی فعالانه، توانایی نقد و آگاهی تربیتی راهبردی (کارآمدی) به-عنوان مؤلفه‌های شهروندی شناسایی و مفهوم‌سازی شد. پس از مشخص شدن تعداد عامل‌ها و سهم و مقدار ویژه‌ی آنها، مطابق با عامل‌های چرخش یافته به روش واریماکس، گویه‌های هر عامل با مقدار بارعاملی آن گویه و میزان اشتراک با عامل مربوطه در جدول زیر ارائه می‌گردد.

جدول ۴. ماتریکس همبستگی بین گویه‌ها و عامل‌ها به روش چرخش عاملی واریماکس/میزان اشتراک

ردیف	عامل	متغیر	بار عاملی	میزان اشتراک
۱	اعتماد و مسئولیت‌پذیری	محیط شاداب مدرسه	٪۷۰	۱/۶۲۵
		محیط خلاق مدرسه	٪۶۶	۱/۵۷۹
		شیوه تربیتی مفید مدرسه	٪۴۲	۱/۴۹۵
		احساس وظیفه در مدرسه	٪۵۰	۱/۵۸۳
		حفظ اموال عمومی	٪۵۱	۱/۵۲۴
		حفظ محیط زیست	٪۶۰	۱/۶۰۳
۲	تعهد دینی و سازمانی	تمایل به کارگروهی	٪۶۵	۱/۵۲۲
		خواندن نماز	٪۶۳	۱/۶۰۷
		احترام به شعائر دینی	٪۴۷	۱/۴۱۷
		شرکت در مناسبت‌های اجتماعی	٪۷۵	۱/۶۱۶
		مشارکت در تشکل‌های مدرسه	٪۵۶	۱/۵۳۵
		عضویت در بسیج	٪۷۴	۱/۶۰۸
۳	هنجارپذیری اجتماعی	رعایت قوانین مدرسه	٪۶۷	۱/۶۰۹
		رعایت هنجارهای کلاسی	٪۶۹	۱/۶۲۰
		تقید به سنت‌های اجتماعی	٪۵۹	۱/۵۶۲
		مخالفت تفکیک جنسیتی مشاغل	٪۵۰	۱/۴۹۱
۴	نقش‌آفرینی فعالانه	فعالیت غیردرسی فعالتر	٪۷۲	۱/۶۱۹
		کمک فعالانه به عوامل مدرسه	٪۶۸	۱/۶۶۰
		دفاع فعالانه از حقوق خود	٪۴۷	۱/۲۸۲
۵	منتقد	نقد معلم	٪۶۵	۱/۵۴۰
		نقد سیستم آموزشی متمرکز	٪۷۳	۱/۶۷۰
		الگوپذیری از فضای مجازی	٪۶۳	۱/۴۱۶
۶	آگاهی تربیتی راهبردی	آگاهی معلمان از سند تحول	٪۷۰	۱/۵۰۷
		پیروی آگاهانه دانش‌آموزان از الگوهای تربیتی رسمی	٪۵۶	۱/۵۹۷

کمک به عوامل آموزشی و ارائه راهکار	%۵۷	/۵۷۹
بر مبنای نتایج جدول فوق عامل اول بیشترین واریانس از تعداد متغیرها تبیین کند. همچنین در واریانس مشترک متغیرهای نقد سیستم آموزشی متمرکز ($h^2=67\%$)، کمک به عوامل مدرسه ($h^2=66\%$) و پذیرش محیط شاداب مدرسه ($h^2=66\%$) به ترتیب بیشترین واریانس را داشتند که توسط کلیه عوامل نهایی تبیین شده است، و متغیرهای توانایی دفاع از حقوق خود ($h^2=28\%$)، الگوپذیری از فضای مجازی ($h^2=41\%$)، و احترام به شعائر دینی ($h^2=41\%$) به ترتیب کمترین واریانس مشترکی را داشتند که بوسیله عوامل نهایی تبیین شدند. با شناسایی مقوله‌های شهروندی مطلوب در اسناد رسمی و میدان واقع، و مشخص شدن اولویت‌های تربیت شهروندی در هر دو حوزه، می‌توان گفت یک شهروند آرمانی و متعالی مطلوب جمهوری است، که برخوردار از شاخص‌های دینی و اجتماعی برپایه مبانی دین اسلام، با زیرمقوله‌های مربوطه باشد (جدول ۱). در میان دانش‌آموزان نیز همین شاخصه‌ها با تغییر جایگاه و درجه اهمیت نیز نمایان شد (جدول ۴). در مرحله انتزاعی این کدگذاری و عامل‌سازی، شهروند برخوردار از ویژگی‌های دینی و اجتماعی برای نظام رسمی جمهوری اسلامی با عنوان شهروند متعالی دینی-اجتماعی مطلوب مفهوم‌سازی شد.		



نمودار ۱. مدل شهروند مطلوب جمهوری اسلامی ایران

بر مبنای این مدل، شهروند مطلوب به‌عنوان کنشگری که مورد تأیید نظام رسمی جمهوری اسلامی ایران باشد؛ متعهد به تبعیت از ارزش‌های دین نظام حاکم است. ویژگی‌های این ارزش‌گذاری دست‌یابی به درجه‌ای از شناخت دین اسلام و پایبندی و التزام آنان در عمل به‌عنوان نشانه‌های دینداری است. پس از مجهز شدن به چنین شناسه‌هایی، فرد وارد عرصه نمایش خود در قامت شهروند دیندار فردی و اجتماعی برخوردار از حداقل اختیار و اراده می‌شود (مبانی نظری سند تحول بنیادین آموزش و پرورش، ۱۳۹۰). بر مبنای این اراده‌گرایی هدفمند به درجه‌ای از خودآگاهی در حقوق و تکالیف شهروندی می‌رسد، که می‌تواند فعالانه نقش‌آفرینی می‌کند. چنین سوژه‌ای با هم‌نوا کردن خود با الزام‌های دینی حاکم، با تقویت حس اعتماد و پذیرش مسئولیت اجتماعی و سازمانی به صورت آگاهانه، شرایط، علل و پیامدهای کنش‌ها، ساختار و سازمان‌ها را مورد نقد قرار می‌دهد. تمامی این کنش‌ها به‌عنوان شرط لازم برای شهروند مطلوب مورد انتظار نظام رسمی بحساب می‌آیند؛ اما برای لازم و کافی بودن شهروندی، مشروط به پایبندی به اصول و معیارهای دین اسلام در همه ساحت‌های اجتماعی، سیاسی، فرهنگی، اقتصادی و علمی است. فردی که بتواند فرایند فراگیری، پایبندی و انتقال مهارت‌ها و شاخص‌های ذکر شده (جدول ۱) را در چارچوب مبانی نظام دینی-اعتقادی سازماندهی کند، شهروندی متعالی است.

بحث و نتیجه‌گیری

هدف اصلی پژوهش حاضر، واکاوی شاخص‌های تربیت شهروند مطلوب از محتوای اسناد رسمی جمهوری اسلامی از یک سو، و شناسایی ویژگی‌هایی که در رفتار، اعمال و منش دانش‌آموزان، معرف مقوله‌ی شهروندی بود. برای دستیابی به این هدف از یک سو اسناد بالادستی تربیت رسمی مانند قانون اساسی و سند تحول بنیادین آموزش و پرورش تحلیل شد. در سوی دیگر برای شناسایی نمونه‌های تربیت شهروندی در میدان واقع، دانش‌آموزان پسر متوسطه شهران تهران انتخاب شدند. برای ارزیابی و اینکه بتوان نسبت مسئله مورد پژوهش را بهتر تحلیل کرد، از معلمان که هم نماینده نظام رسمی بوده و از اسناد رسمی و محتوای آنها آگاهی داشتند، هم به صورت پیوسته با دانش‌آموزان ارتباط دارند برای گردآوری داده‌ها استفاده شد.

نتایج یافته‌های بخش اسنادی و کمی حاکی از آن است که نوعی نگرش مشابه به فرایند شکل‌گیری تربیت شهروند در اسناد رسمی و مؤلفه‌های شهروندی در بین دانش‌آموزان وجود دارد. هرچند این نگرش در اولویت‌بندی تاحدودی متفاوت است. از آن روی که در بخش اسنادی شهروند مطلوب جمهوری اسلامی فردی تماماً پایبند به مبانی دین اسلام معرفی شد، که مهارت‌ها و توانایی‌های اجتماعی بودن را فرا گرفته و در عمل نشان دهد. مقوله‌هایی که با سازه انتزاعی‌تر دیندار اجتماعی مفهوم سازی شد (جدول ۱). آنچه از این سازه استنباط می‌شود، اینکه به نظر می‌رسد هر دستورالعمل، بخشنامه و قانونی برای بخش‌های مرتبط با امر تربیت، اعم از نهادهای کلان تصمیم‌گیر و تصمیم‌ساز تا عوامل اجرایی چون مدرسه، یاددهنده، فراگیر و رسانه، باید با معیار دین اسلام ارزش‌گذاری و سنجیده شود. به عبارتی شرط مطلوب بودن شهروند در جمهوری اسلامی ایران به صورت رسمی در حوزه عمل و نظر، برخوردار بودن از ویژگی‌های دین اسلام و پایبندی به اصول آن در تمامی ساحت‌ها و سطوح است. پذیرش مهارت‌های اجتماعی همچون منفعت اجتماعی، نقش‌آفرینی اجتماعی و... مشروط به برخوردار بودن از مبانی دینی در همه ساحت‌ها می‌باشد. از این رو بر مبنای استنباط پژوهشگر نوعی شهروند مشروط کنترل شده‌ای معرفی می‌شود که تحت الزام‌های دینی از درجه‌ای از اختیار و انتخاب برخوردار است (جدول ۱). شهروند متعالی دیندار و اجتماعی که در این پژوهش مفهوم‌سازی شد، شکل مطلوب و ایده‌آل مورد نظر جمهوری اسلامی است که به نظر می‌رسد دین و اعتقاد اسلامی تعیین‌کننده هویت، عمل و سرنوشت اوست. اما بعد از شناسایی مؤلفه‌های شهروندی میان دانش‌آموزان اولویت‌های متفاوتی بدست آمد. بدین صورت که توجه به مؤلفه‌های دینی به‌عنوان ویژگی اصلی شهروندی در جمهوری اسلامی در جایگاه دوم اهمیت قرار گرفت. در حالی که اعتماد و مسئولیت‌پذیری با مقدار ویژه ۰/۱۲/۶ و واریانس ۰/۴۹/۲۴ به‌عنوان شاخص اصلی شهروندی در جایگاه اول اهمیت مورد توجه دانش‌آموزان متظاهر شد. سایر مؤلفه‌ها (نقش‌آفرینی فعال، هنجارپذیری، منتقد و آگاهی تربیتی راهبردی) به لحاظ درجه اهمیت و توجه بعد از عامل تعهد دینی قرار گرفتند (جدول ۴). یعنی شرط دیندار بودن و پایبندی به معیارهای دینی را پذیرفته و فعالیت‌های خود را به هردلیلی با مؤلفه‌های دینی سازگار دانستند. استنباط پژوهشگر این است که این تغییر جایگاه اولویت‌ها از هدف‌گذاری تا واقعیت، می‌تواند ناشی از دو عامل متفاوت باشد: نخست اینکه تصمیم‌سازان بخش فرهنگی-تربیتی نظام رسمی از واقعیت‌های میدانی نسل دانش‌آموزی درک و شناخت کافی ندارند. دوم اینکه شاید این همه تأکید مفرط مستقیم بر مبانی دینی و لزوم پایبندی دانش‌آموزان به رعایت آنها نوعی فضای جزمی در میان دانش‌آموزان ایجاد کرد که کارکرد معکوس داشته و باعث تغییر اولویت دانش‌آموزان از مؤلفه‌های دینی شده است.

اگر مسئله‌ی اولویت‌بندی عامل‌های شهروندی را نادیده بگیریم، نوعی هم‌سنخی نسبت به مقوله شهروند مطلوب میان دو حوزه نظام تربیت رسمی و میدان واقع تربیت شهروندی وجود دارد. آنگونه که در اسناد مورد بررسی شاخص‌هایی چون دینداری، منفعت اجتماعی، مشارکت سیاسی-اجتماعی و انتخاب مسیر تکامل بر مبنای اراده‌ی فردی و تعهد سازمانی در تربیت شهروندی مورد تأکید بود؛ همین مؤلفه‌ها نیز با تغییرات جزئی در میان دانش‌آموزان شناسایی شد (جدول ۱ و ۴). در نتیجه استنباط پژوهشگر از کدسازی مقوله‌های استخراجی از اسناد رسمی و مؤلفه‌های شناسایی شده میان دانش‌آموزان، با سازه شهروند متعالی دینی-اجتماعی مفهوم‌سازی شد، که هم شرط دینداری را داشته باشد، هم فعالانه و پویا نقش‌ها و مسئولیت‌هایی را بپذیرد. به نظر می‌رسد این شهروند تمامی تعهدات، منفعت، نقش‌آفرینی و انتخاب مسیر تربیت خود را تا رسیدن به مرحله تکامل دینی، مشروط به در نظر گرفتن معیار الهی-دینی در زندگی فردی و اجتماعی است، تا مطلوب و تکامل یافته به شمار آید. از آن رو مشروط است که هرگونه عمل، نظر و فعالیت که می‌خواهد در هر مرحله از تفکر تا عمل انجام دهد، باید صبغه‌ای دینی آن هم دین اسلام داشته باشد. از آن روی پویاست که بعد از پذیرش دین و اصول و هنجارهای اجتماعی و فردی دینی به صورت فعال

و آگاهانه البته در چارچوب همان الزام‌های دینی ایفای نقش می‌کند و به مسئولیت‌های شهروندی دینی خود عمل می‌کند. این نتایج با پژوهش کیشانی فراهانی (۱۳۹۲) محمدی و همکاران (۱۳۹۶)، همچنین با یافته‌های پژوهش‌های دالتون (۲۰۰۶)، هاسکینز و ماشیرینی (۲۰۰۹) و تن (۲۰۰۷) هم‌سو است.

براین اساس، ضرورت دخالت و در رأس قرار گرفتن معلمان صاحب‌نظر در طراحی و تصمیم‌سازی تربیت دانش‌آموزان به‌عنوان کنشگرانی که از ابعاد گوناگون فردی و اجتماعی دانش‌آموز اطلاع داشته و از مبانی اسناد تربیت رسمی نیز آگاهی دارند؛ امری ضروری است. چراکه می‌توانند انتقال‌دهنده اولویت‌ها و نیازهای تربیتی شناسایی شده در سکناات دانش‌آموزان به تصمیم‌سازان نظام تربیت رسمی باشند. همچنین تشکیل گارگروهی متشکل از معاونت اجتماعی استانداری و شهرداری، معاونت اولیا و مربیان وزارت آموزش و پرورش، معاونت آموزش پرورش هر منطقه و معلمان پژوهنده زیر نظر معاونت اجتماعی وزارت کشور به‌عنوان متولی تهیه، پیگیری و اجرای مؤلفه‌های تربیت شهروند در بین دانش‌آموزان می‌تواند به نهادینه کردن فرایند تربیت شهروندی کمک کند. از سویی به نظر می‌رسد انجام پژوهش‌های تلفیقی میان نسبت خرده نظام‌های نظام رسمی (اقتصاد، فرهنگ و سیاست) با مقوله تربیت و آموزش شهروندی، از سوی پژوهشگران می‌تواند به شناخت جایگاه شهروندی در جامعه مؤثر باشد، و از این طریق بتوان به نگرش جامعی از تربیت شهروند چند بعدی در ساختار کلان جمهوری اسلامی ایران دست یافت. از محدودیت‌هایی که در فرایند این پژوهش ایجاد شد، عمدتاً در بخش جامعه آماری بود. عدم همکاری مدارس دخترانه و حتی صدور مجوز رسمی از سوی نهاد رسمی مربوطه در مرحله گردآوری داده‌ها بود، که به ناچار جامعه آماری تنها مدارس پسرانه انتخاب شد. پژوهشگران می‌توانند به‌عنوان پژوهشی مکمل نسبت مؤلفه‌های تربیت شهروندی مورد انتظار نظام رسمی و نمود آنها را در مدارس دخترانه مورد تحلیل قرار دهند. همچنین نبود تحقیق منسجم تلفیقی که به‌طور همزمان مقوله شهروندی را از منظر دو نیروی رسمی (حاکمیت) و مدنی (عموم) با هم مقایسه و بررسی کرده باشد. به ناچار از پیشینه‌های مجزایی که به صورت گل‌خانه‌ای و تک بعدی مسئله شهروندی را مورد توجه قرار دادند، استفاده شد.

منابع

- باقری، لیلا. (۱۳۹۳). «بررسی اخلاق و حقوق شهروندی در جامعه و انتظار مردم از دولت (مطالعه موردی شهر تهران)». فصلنامه اخلاق زیستی، ۴(۱۱): ۹۳-۱۲۶.
- حبیب‌پور، کرم؛ صفری، رضا. (۱۳۹۵). راهنمای جامع SPSS در تحقیقات پیمایشی، تهران: نشر لویه، چاپ هفتم.
- سانتراک، جان دبلیو. (۲۰۰۸). روانشناسی تربیتی، ترجمه شاهده حسینی، مهشید عراقچی و حسین دانش‌فر. (۱۳۸۷). تهران: نشر رسا.
- سبحانی‌نژاد، مهدی و منافی کاظم. (۱۳۹۰). جامعه‌شناسی آموزش و پرورش، تهران: انتشارات یسپرون.
- شارع‌پور، محمود. (۱۳۹۰). جامعه‌شناسی آموزش و پرورش، تهران: انتشارات سمت.
- غیاثوند، احمد. (۱۳۹۳). «آموزش شهروندی در مدارس شهر تهران. آثارها و پیامدها»، فصلنامه برنامه‌ریزی رفاه و توسعه اجتماعی، ۸(۲۳): ۲۰۸-۲۳۹.
- کمالپورخوب، ناصر؛ هاشمی، سیدضیاء و نجاتی‌حسینی، سیدمحمود. (۱۳۹۹). «تبیین جامعه‌شناختی مواضع سیاسی تربیت دانش‌آموز به مثابه شهروند مطلوب در اسناد رسمی جمهوری اسلامی ایران (مطالعه موردی سند تحول بنیادین آموزش و پرورش و سند چشم‌انداز ۲۰ساله)»، فصلنامه نوآوری‌های آموزشی، ۱۹(۷۳): ۵۹-۸۰.
- کمالپورخوب، ناصر؛ هاشمی، سیدضیاء و نجاتی‌حسینی، سیدمحمود. (۱۳۹۹). تبیین جامعه‌شناختی نسبت شهروند مطلوب در اسناد رسمی تعلیم و تربیت با واقعیت اجتماعی مدرسه. پایان‌نامه دکتری، دانشگاه آزاد اسلامی واحد تهران مرکزی.
- کیشانی‌فراهانی، عزت‌الله و فرمهبینی‌فراهانی، محسن. (۱۳۹۲). «مؤلفه‌های اساسی تربیت شهروندی اسلامی-ایرانی»، فصلنامه مطالعات ملی، ۱۴(۴): ۵۱-۷۴.
- مبانی نظری سند تحول بنیادین در نظام تعلیم و تربیت رسمی و عمومی جمهوری اسلامی ایران. (۱۳۹۰). دانشگاه فرهنگیان.
- محمدی، حسین، مزیدی، محمد و سعید، بهشتی (۱۳۹۶). «تحلیل مفهومی مراحل و ابعاد تربیت شهروندی»، فصلنامه علمی پژوهشی رهیافتی نو در مدیریت آموزشی، ۸(۴): ۱۰۶-۸۳.
- Creswell J W. (1999). "ii xed-Method Research: Introductio and Application in A. Tashakkori & C. Teddlie (eds.), Handbook of Mixed Methods in Social and Behavioral Research, Thousand Oaks, CA: Sage: 209-240.
- Dalton R. (2006). citizenship norms and political participation in America: the good news in the bad news is wrong, center for the study of democracy, university of California.
- Hoskins B & Mascherini M. (2009). measuring active citizenship through the development of a composit indicators research, 90(3): 459-488.
- Lee W O. (1999). Qualities of citizenship for the new century: perception of Asian educational leaders. paper presented at the fifth unesco world educational conference on reforming leading curriculum.
- Tan A. (2007). islam and citizenship education in Singapore: challenges and implications. education, citizenship and social justice, 2(1): 23-39.

Sociological analysis of the priorities of educating the desired citizen in the official documents and social reality of the school

Naser Kemalpourkhob¹
sayed Zeya Hashemi^{2*}
sayed Mahmoud Nejati Hosseini³

Abstract

Purpose: This study was conducted with the aim of identifying and prioritizing the components of desirable citizenship in terms of the official system of the Islamic Republic and among students.

Methodology: The study method of this study was quantitative-qualitative, based on which, first by reviewing official documents (Constitution and the document of fundamental transformation of education) with the logic of qualitative content analysis method, the components of desirable citizenship education considered by the Islamic Republic of Iran theoretically, Fish \rightarrow Removed. Then the quality coding process was performed on them. In order to identify the position of citizenship components and their manifestation among students (analysis unit), among boys' high school teachers in Tehran as a unit of observation by survey method and using multi-stage cluster sampling, A sample of 210 people was selected. Data were collected using a self-made questionnaire with an alpha value of 0.82, Achieved at an acceptable level. Data analysis was performed using SPSS software and exploratory factor analysis at a significance level of 0.05.

Findings: In this study, by analyzing the document of the constitution and the document of fundamental change in education, it was determined that the components of citizenship education are regulated and implemented with the focus on religion and reaching the nearness of God. Accordingly, a religious citizen with desirable religious, devotional, and cognitive characteristics and in the field of social action with the characteristics of social benefit, participation and role-playing is considered a desirable social. By examining the axes of citizenship among the students, the component of trust and social responsibility with (especially the value of 0.612 and strategic educational awareness with the special value (1.226) had the least manifestation among the students.

Conclusion: By examining the ratio of quantitative and qualitative parts, it can be concluded that the need to pay attention to the priorities of educating students as future citizens can help the internal convergence of the formal system and the reality of society.

Keywords: desirable Citizen, Basic Education Transformation Document, Student, Teacher, One-Step Three-Dimensional Method

1. PhD student in Political Sociology, Central Tehran Azad University.
2. PhD of Sociology, Faculty of Social Sciences, University of Tehran, (responsible Author) zhashemi@ut.ac.ir
3. PhD of Sociology, Central Tehran Azad University.

*This article is taken from a PhD Thesis.